

پیشنهاد میشود وزراء یا صاحب طرح یا یکی از نمایندگان میتواند از مجلس فوریت آنرا تقاضا نماید.

البته تصدیق میفرمائید که در اینجا نوشته نشده است یک لایحه که مربوط به مالیات یا غیر مالیات است و بطور کلی هر طرحی را میتواند تقاضای فوریت بکنند.

اما اینکه میفرمائید آقای وزیر مالیه یک دلیل کافی فرمودند هیچ دلیلی بهتر از این نیست که ما وارد سال جدید میشویم و مجلس و دولت محتاج بیک اصلاحاتی هستند که آن اصلاحات هم محتاج بوضع این قبیل لوائح است.

بعضی از نمایندگان - رای بگیری
نایب رئیس - شاهزاده نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - بنده راجع بدستور عرضی دارم. اجازه میفرمائید

نایب رئیس - تأمل بفرمائید تا عده کافی شود. عده برای رأی کافی نیست.

نصرت الدوله - راجع به همین مسئله عرضی دارم

نایب رئیس - بفرمائید
نصرت الدوله - چون بطوریکه آقای

نایب رئیس فرمودند عده برای اخذ رأی کافی نیست و از طرفی یک ساعت و چیزی از ظهر گذشته و آقایان هم غفلت کرده اند

ورفته اند از این جهت بنده خواستم تقاضا کنم که جلسه را ختم کنیم مجدداً برای

امروز عصر یا فردا صبح تشکیل شود

نایب رئیس - چون قبلاً بعضی ها اجازه خواسته اند و عده هم برای رأی کافی نیست

اگر اجازه بفرمائید جلسه را ختم میکنیم.

جلسه آتی یا عصر یا فردا صبح

زعیم - بنده مخالفم.

نایب رئیس - بفرمائید

زعیم - بنده مخالفم با اینکه جلسه امروز عصر یا فردا صبح تشکیل شود و

معتمد که بحالت عادی خودش باشد.

نایب رئیس - آقای رهنما (اجازه)

رهنما - این مسئله یک مسئله مهمی است که اگر مهم نبود فوریت آن را

تقاضا نمیکردند این مسئله بحساس ترین شعب کار این مملکت که مسئله مالی باشد

مربوط است و مجلس در این قبیل مواقع نمیتواند بگذارد که دو جلسه و سه جلسه

عقب بیفتد و نسبت بیک دولتی که رأی اعتماد باو داده ایم همچو مسئله مهمی که از نظر ضرورت و احتیاج فوریت آنرا ایجاب

کرده باید امروز در مجلس مطرح شود و اگر این مسئله امروز حل نشود تأخیر بیفتد

کی میدانند چه مفاسدی از نقطه نظر مالی پیدا میشود و مسائل مالی یک چیزی نیست بانظر مسامحه بانظر شود.

بنابر این بنده تقاضا میکنم امروز

عصر جلسه تشکیل شود که سبکته در امور مالی وارد نشود

نایب رئیس - عده برای رأی کافی نیست

بعد باید اطلاع داد (مجلس یک ساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی
موتن الملک

منشی
علی اقبال الممالک

منشی
معظم السلطان

جلسه ۱۴۴

صورت مشروح مجلس عصر یوم

سه شنبه بیست و هفتم برج حوت

۱۳۰۳ مطابق بیست و یکم

شعبان المعظم

مجلس نیم ساعت قبل از غروب برپاست

آقای سهام السلطان نایب رئیس تشکیل گردید

نایب رئیس - چون صورت جلسه صبح حاضر نشده در جلسه بعد قرائت خواهد شد

راجع ب لایحه دخانیات که صبح مطرح مذاکره بود راجع بقوریت مذاکرات کافی

شد و چون عده برای رأی کافی نبود رأی گرفته نشد

حال رأی گرفته میشود بقوریت لایحه آقایانی که با فوریت لایحه موافقت قیام

فرمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد.

نصرت الدوله - بکرای دیگر بگیری

برای فوریت ثانی

نایب رئیس - چون تقاضای فوریت ثانی شده که لایحه در مجلس مطرح مذاکره

شود لهذا راجع بقوریت ثانی مذاکره میشود

بعضی از نمایندگان - رأی بگیری

نایب رئیس - رأی می گیریم بقوریت ثانی که در مجلس مطرح شود.

آقایانی که موافقت قیام فرمایند (جمع کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد.

شوردر کلیات است. آقای حائری زاده مخالفید؟

حائری زاده - بلی

نایب رئیس - بفرمائید

حائری زاده - اگر بقوریت این لایحه رأی داده نشده بود ممکن بود بنده بواسطه

مذاکراتی که در خارج میکردم یک اطلاعات کافی پیدا کنم و رفع بیانشانی

حواسم بشود و مخالفت نکنم

انسان خوب می دانند ولی در موقع عمل می بیند

تولید زحمت میکند مثل مالیات تریاک که هر

هر نقطه نظری حساب کنیم می بینیم مالیات خوبی است زیرا اگر یک ماده مضره گران

بشود مردم کمتر استعمال نمایند عایدی هم برای دولت داشته باشد بهترین مالیاتها

است

ولی در موقع عمل و اجرا کردن قانون تجدید یک زحماتی تولید شد که این فکر برای

اغلب ماها پیش آمده که باید قانون سابق را بهم زد و یک قانونی و یک مالیاتی

وضع کرد که هم طرز وصولش آسان باشد و هم مردم راحت باشند

خود بنده دخانیات استعمال نمیکنم

نه اهل قلیون هستم نه سیگار نه چپق ملکی هم که زراعت دخانیات درش بشود ندارم از

آنطرف هم معتمد که باید یک مالیاتهای برای مخارج مملکت وضع و ایجاد کرد ولی

در ایجاد مالیات باید فکر کرد که هم زحمت وصولش کم باشد و راه تقلب هم در آن

مسدود باشد و عایداتش هم بمصارفی که باید برسد برسد.

این ماده که صبح قرائت شد خیال میکنم همچو بود که از تنباکو هر قیمتی که باشد

چه تنباکوی خوب.

چه تنباکوی بد و چه وسط یک من چهار قران گرفته شود.

از توتون چپق بد و خوب یک من یک تومان و از توتون سیگار بد و خوب یک من یا زده

قران دولت بگیرد.

یک کلمه دیگری هم داشت که آنرا بحسب ظاهر می شود خوب تعبیر کرد ولی در

موقع عمل خیال می کنم خوب نباشد گفته شد که این مالیات از زراع گرفته نمیشود از تاجر

و مصرف کننده اش گرفته خواهد شد.

اگر همان مالیات سابق را بتناسب بالا تر برده بودند و صدی سی را صدی چهل کرده

بودند یا صدی پنجاه کرده بودند بنده با آن زودتر میتوانستم موافقت کنم

چون مردم بیک ترتیبی عادت کرده اند و تا بحال هم معمول بوده است و بهترین

بود همان ترتیب سابق باشد منتهی تا کسش را بالا ببرند

ولی تنباکوئی که یک من چهار عباسی فرضاً در طبع بعمل می آید و بمصرف فروش

میرسد این را خواسته باشند یک من چهار قران ازش بگیرند نمیدانم آیا این ترتیب عملی

هست یا نیست؟

اگر صاحب تنباکو تنباکویش را بپایند بدهد بدولت و بگوید من تنباکو نمیخواهم

آیا از آن صرف نظر می کنند یا خیر؟

زودتر موافقت کنم و عملی تر هم بود که منحصر بدولت باشد

و یک نرخی هم دولت خودش برای فروش تنبا که معین کند مثل سوخته تریاک

که منحصر بخودش است که هر کس سوخته دارد تحویل می دهد بدولت و مثقالی سه شاهی

یا یک شاهی میگیرد دولت هم مثقال سه شاهی یا یکقران میفرشد این ترتیب بنظر عملی

تر می آید

صبح که بنده این را شنیدم خدمت آقای وزیر مالیه عرض کردم که اگر دولت

از نقطه نظر احتیاج بیک عایداتی می خواهد این مالیات را بدون مطالعه و کلاً بقوریت از

مجلس بگذرانند

در همه سایگی ما تر که تقریباً یک همچو مالیاتی سال قبل برقرار کردند و برای

مشاغل دولتی یک مالیاتی قرار دادند که هر کس یک سال بناس از دولت

حقوق بگیرد یا زده ماه بگیرد و یک ماهش را بگیرد این را وقتی که من

در روزنامه خواندم دیدم فلسفه خوبی دارد فلان زارهی که زراعت میکند آخر سال پنجاه

تومان عایدات پیدا میکند.

از این شخص پنج تومان دهیک میگیرند برای مخارج بنده هم که این چنان شش ماهی

دو دست تومان عایداتم است بیست تومان را بدهم بدولت خیال میکنم ضرری نداشته باشد.

چه ضرر دارد از این بیست و چند میلیون تومان پولی برای مملکت گرفته می شود و خرج میشود.

حقوقانی که در سال زائد بر سیصد تومان باشد مالیات بدهد.

از سیصد تومان کمتر چون جز نیست باید آنها را معاف کرد ولی کسی که در ماه از

بیست و پنج تومان بیشتر میگیرد وقتی که عشر عایداتش را بعنوان مالیات بدهد چنان

یک چیزهایی که دولت در نظر گرفته خواهد کرد و بدون مطالعه هم یک مالیاتی که فردا

برای ما تولید اشکال بکنند ایجاد نشده است.

این بود که بنده مخالفت خودم را لازم دانستم در مورد فوریتش عرض کنی و می

خواستم عرض کنم که افلا مجلس رأی بدهد یک شور بشود و مثل سایر لوائح برود به

کمیسیون و درش مطالعه کامل بشود مثل لوائح بودجه که یک شور دارد تا ماه بهتر

بتوانیم در اطرافش مذاکره کنیم و باتجار مذاکره کنیم و اطلاعاتی تحصیل کنیم و بینیم

در موقع عمل و اجرا چه زحماتی تولید میکند یا چه منافعی برای دولت ایجاد میکند تا

ما موافقت کنیم.

ولی چون اینطور نشد مجبور شدم مخالفت کنم و امیدوارم آقای وزیر مالیه که

مطالعه کرده اند در دفع خیال مرا بکنند یا اینکه یک محل دیگری را در نظر بگیرند که

جبران بعضی چیزها را بکنند و این را بگذارند با مطالعه جبران بیفتند.

نایب رئیس - آقای اماد السلطنه (اجازه)

هماد السلطنه - آقای حائری زاده مخالفت اساسی با این لایحه نداشتند و فقط یک قدری اظهار تردید و تحریف کردند از اینکه چون وقت کم بوده است.

من در دست مطالعه نکرده ام و نمیدانم مفید مصالح عمومی خواهد بود یا خیر ولی از آن طرف در ضمن فرمایشاتشان فرمودند که من معتقدم هر مالیاتی که گرفته میشود باید سهل باشد و نسبتاً هم راه قاچاقش مسدود باشد و از طرف دیگر هم چون مکرراً اظهار عقیده فرموده اند بنده میدانم که عقیده شان اینست که مالیاتهای وضع میشود و طوری باشد که نسبت به ضعفا و فقرا کمتر تحمیل شود.

در این سنوات مشروطه و ایامی که ما مجلس داشته ایم بنده اطلاع ندارم که تاکنون هنوز یک مالیات اساسی از تصویب مجلس گذشته.

باشد و اگر یک مالیاتهای از سابق بوده و یک بی عدالتیهای بوده امید واریم پس از آنکه لایحه مفیده از قبیل لایحه میز و غیره از مجلس گذشت آنها هم اصلاح شود ولی این اولین مالیاتی است که بنده خیال میکنم مجلس آمده و بعقد بنده این مالیات از بهترین اقسام مالیاتهاست که امروز لایحه اش از طرف دولت آمده و تقاضای فوریتش شده است.

اینکه فرمودند من با فوریتش مخالفم و معتقد بودم که لااقل یک شوربشود و برود بکمیسیون و دوباره برگردد به مجلس. البته بنده هم با حضرت عالی هم عقیده می شدم. در صورتیکه این مسئله دوسه ماه قبل آمده بود.

اما امروز که بیش از سه چهار روز به اول سال نداریم و باید بودجه مملکتی زود تر تهیه و تدوین شود و مجلس بیاید تصویب شود و با آن انتظارات و توقعاتی که همه ما از دولت داریم و با احتیاجاتی که بعضی از وزارتخانهها مخصوصاً قسمت های راه سازی و معارف و صحتیه بیک بودجه کافی دارند.

البته باید یک اضافه عایداتی منظور بشود و باید فکری کرد که یک عایداتی فراهم شود که وزارتخانه ها بتواند بودجه شان را از روی احتیاجات (نه احتیاجات به تمام معنی) - احتیاجات امروزه - تهیه و تدوین نمایند و بیاورند به مجلس و البته با مطالعه و فکری که از طرف هیئت دولت شده است یک مالیات سهل القبول و همان طور که خودشان فرمودند نسبتاً راه قاچاقش سد باشد و بقرا و ضعفا هم تحمیل نشود تصور

نمیکند بهتر ازین مالیاتی باشد.

اما راجع باینکه فرمودید خوب بود مالیات قدیم نسبت بهمان صد بیست یا صدی سی که بود تجاوز می کرد و میرفت بالا این را هم بنده خیال میکنم خود جنابعالی و سایر نمایندگان محترم هم عقیده شان این باشد که باید ما بر ورزیم یک کاری بکنیم که دیگر اساساً مالیات جنسی در دفاتر دولتی نباشد و البته این ترتیب بهتر است که ما هیچ مالیات جنسی نداشته باشیم (بنده بین کثرت و وجود تنباکو فرق نمی گذرم) برای اینکه همه ساله مطابق قانون اساسی باید چند ماه قبل از سال بعد بودجه مملکتی بیاید به مجلس.

البته وزارت مالیه وقتی مقدار زیادی جنس داشته باشد نمی شود یعنی نمیتواند قیمت ثابتی برای جنسش معین کند که در سال آتی من دو میلیون پول تنباکو دارم یا یک میلیون پول توتون.

این ترتیب که ممکن نیست ولی هر گاه تبدیل شود بنقدی البته خیلی زود و بطور سهولت میتواند عایداتش را بیش بینی و معین کند که فرضاً در سال آتی به ماسی میلیون عایدات داریم از آن رو هم معارج معین می شود و مجلس تصویب میکند ولی اگر جنسی شد دیگر این ترتیب عملی نیست چون ممکنست جنس ترقی و تنزل کند.

مخصوصاً به مسئله تنباکو و توتون تجربه شده و معلوم شده است که برای وصول این مالیات همیشه مأمورین مالیه دچار اشکال میشده اند و بعلاوه وقتی که بفاشد از عین جنس گرفته شود.

دولت مکلف است در هر دبه یا قاضیه یا شهری یک انبار تهیه نماید و در سر فروش هم دچار چه زحمات و اشکالاتی میشود و آیا آن جنس را بخرند یا نخرند.

اما اینکه فرمودند خوبست در عرض این مالیات اشخاصی که یک حقوقات و عایداتی دارند تا بیست و پنج تومان معاف و از آن بیلا عشریه بدهند بنده تصور میکنم این قسمت اصلاً مربوط باین لایحه نیست و تصویب نمی کنم هیچ انصافی تصدیق کند که کسی که میرود خدمت میکند زحمت میکشد و در عوض خدمت یک اجرت روزانه دریافت میکند یک مبلغی از حقوقش را به عنوان مالیات بدهد بدولت.

(بعضی از نمایندگان - صحیح است) چرا شاید یک روزی (امید واریم یک همچو چیزی بیش نباید ولی اگر خدای نکرده بکرو سختی بیش بیاید - شاید) مستخدمین دولت هم مضایقه نداشته باشند از اینکه یک مقدار از حقوق خودشان را بدهند بدولت و با دولت کمک و مساعدت کنند.

(صحیح است)

ولی امروز که همچو چیزی برای ما پیش نیامده و یک محل مناسب این طوری هم داریم.

میفرمایند در فلان جا تنباکو قبضش چقدر است عرض میکنم که هیچ وجه من الوجوه این مالیات تنباکو و توتون بزارع یا مالک یا رعیت تحمیل نمی شود.

آن کسی که تنباکو را استعمال میکند آن کسی که درین مدت تنباکو یک من چهار تومان میبکشد حالا یک من چهار حالا یک من چهار تومان و چهار تومان و میبکشد می دهد و تنباکو بخرد و میبکشد.

یا آن کسی که تنباکو یک من یک و یک تومان میبکشد حالا یک من چهار ده قران میبخرد و ابداً بزارع یا مالک تحمیل نمیشود و یک چیز هاد لانه هم هست و گمان میکنم پس از آنکه در مجلس شورای ملی بگذرد در جامعه هم بحدس قبول تلقی شود.

بعضی از نمایندگان - صحیح است. نایب رئیس - آقای رهنما - موافقید؟ رهنما - بلی.

آقای رئیس - آقای آقا سید یعقوب. آقا سید یعقوب - بنده هم موافقم. بعضی از نمایندگان - معاذ کرات کافیست. رای بگیریم.

(بعضی گفتند کافی نیست) آقا شیخ جلال - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.

(همه بین نمایندگان) نصرت الدوله - بگذارید حرف بزنند.

نایب رئیس - پیشنهاد شده است که مذاکرات کافیست.

نصرت الدوله - کتبی پیشنهاد شده است؟

نایب رئیس - خبر شفاهی فرمودند. آقای آقا شیخ جلال - مخالفید بفرمایند.

آقا شیخ جلال - بنده درین روز تاریخی ادای وظیفه میکنم و البته مجلس و اکثریت مجلس خودشان میدانند و رای خودشان را خواهند داد.

بنده عرض میکنم که قانون قبل ملتست آنچه موافق با اراده ملت و مصالح مملکت باشد آن قانونست یک قضیه که یک ساعت نیم ساعت قبل از ظهر در بین و کلامه در حالت تعطیل جلسه پیش آمده بدون اینکه ما از مواد آن اطلاع داشته باشیم و هیچ کدام از آقایان از مواد آن اطلاع ندارند.

(همه بین نمایندگان - صدای زنک) نایب رئیس) آقا شیخ جلال - لااقل حالا که ما را این طور غافل گیر کرده اند و نمی گذارند مردم اظهاراتی بکنند پس خوبست آقایان اجازه بدهند حالا

که بغوریت رای داده شد. لااقل مخالفین موافقین حرفهایشان را بزنند عقایدشان را اظهار نمایند لااقل دنیا بگویند که مجلس ایران ایستاد و این تعصبات را بر مردم کرد.

بعضی از نمایندگان (بطور همهمه) رای بگیریم آقا.

وزیر مالیه - بنده خیلی مختصر عرض میکنم برای اینکه آقای آقا شیخ جلال یک بیاناتی فرمودند.

مثل اینکه مجلس شورای ملی الان میخواهد یک جنابیتی بکند! اینطور نیست آقا، این یک مالیاتی است که چندین سال است وضع شده و مامالت جدیدی نیست مطالعه ندارم.

همان مالیات قدیمست فقط دو چیز این جا یعنی درین لایحه هست که خاطر آقایان را بآن متوجه میکنم و آن اینست که سابق برای این مالیات را از روی قیمت جنس میبگیریم.

حالا از روی وزن جنس میگیریم این دیگر هندسه اقلیدس نیست که لازم باشد جلسات و ساعات عیدیه در این مطالعه شود سابق می گفتند از صد تومان سی تومان حالا میگویند از یک من چهار قران - یک ماده دیگر هم اضافه شده است.

که تنباکو و توتونی که بخارج می رود از مالیات معافست باقی دیگرش عین همان قانونست و اگر اختلافی داشته باشد در مبارزت و مالیات جدید و تحمیل جدیدی نیست و آنطوری که آقای آقا شیخ جلال خیال میکنند نیست و یک امر فوق العاده نیست همان قانون سابق است و چیز تازه نیست.

نایب رئیس - رای میگیریم بکفایت مذاکرات. آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (همه قیامی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد. آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده اصولاً موافقم که بهترین مالیاتی که گرفته میشود یعنی بایستی گرفته شود مالیات نیست که از دخانیات و امثال آن گرفته شود چون استعمال دخانیات از جمله چیزهایی نیست که قوام وجود مردم مبتنی بر آن باشد مردم هم میتوانند هر قدر برفیقیتش افزوده شد کمتر استعمال کنند.

در این موضوع چندان اشکال ندارم ولی در خصوص اینکه حالا این لایحه بغوریت آمده مخالفم در اطرافش کاملاً نتوانستیم و نخواهیم که من بعد مثل سایر اموری که بغوریت گذرانیدیم و بعدش اسباب ندامت شد و برگشت شدنش.

این هم یک موضوعی است که گذشته دیگر هر چه بنده عرض کنم بی فایده است لیکن عرض بنده اینست سابق برین قانونی ما گذرانده بودیم که صدی بیست و یک بود که تنباکوئی که توده ملت یعنی کثرت مردم استعمال میکنند در صدی یک من بقران یاد و قران قیمت دارد و صدی است از شش گرفته می شد و از یک من دو قران دو عباسی میشد و هر چه قیمتش بیشتر میشد مالیاتش هم باین طور میشد.

ولی حالا مطابق این لایحه بجای یک عباسی یاد عباسی یاده شاهی چهار قران گرفته می شود.

مثلاً تنباکوئی که توده ملت یعنی کثرت مردم استعمال میکنند در صدی یک من بقران یاد و قران قیمت دارد و صدی است از شش گرفته می شد و از یک من دو قران دو عباسی میشد و هر چه قیمتش بیشتر میشد مالیاتش هم باین طور میشد.

ولی حالا مطابق این لایحه بجای یک عباسی یاد عباسی یاده شاهی چهار قران گرفته می شود.

آقای وزیر مالیه میفرمایند اهمیت ندارد همان قانون سابق است طوری نشده فقط حالا از وزن گرفته می شود. خیر آقا سابقاً صدی بیست بوده و حالا صدی سیصد گرفته می شود مسئله خیلی هم تفاوت ندارد!!

باز هم بنده موافقم و مخالف نیستم شکل بنده اینست که باید عایدی دولت ازاد شود و از آن طرف در خرج هم تقلیل حاصل شود لیکن بشرط اینکه این دوسه مسئله تماماً صورت بگیرد و اینکه عایدی زیاد تر شود و در عین حال این عایدی در یک جایی مصرف شود که ملت از آنها استفاده نکرده باشد.

مثل اینکه بنده از روی حدسی که زده ام بیست و سه میلیون مالیات از روی بودجه گرفته می شود و تقریباً بیست میلیون هم اضافه بر بودجه به اسامی مختلف از مردم پول گرفته میشود و قطع دارم با استثنای آن پولی که در راه قشون صرف میشود باقیش حقیقه نمیتوانم بگویم در راه مصالح عمومی خرج شده بنده که نمیدانم.

اطلاع ندارم، شاید چه عرض کنم حالا اگر چنانچه دولت این مالیاتی که میخواهد اضافه کند یعنی بجای یک من دو عباسی و ده شاهی یک من چهار قران بگیرد اگر نشان میدهد که من این از یاد او اضافه عایدی را برای ازاد بود و سه قشون میخواهم برای خرید کشتی بخاری، جهت حفظ خلیج فارس میخواهم، برای این میخواهم که اگر اراضی خوزستان را مشروب نمایم که عایدی سرشاری در آتی به برای دولت و ملت داشته باشد.

بایست که راه شوره دایر بکنیم یا برقی مقدمه راه آهن میخواهیم بنده بروی سر میگذارم و بجای یک من چهار قران تصویب میگردم یک تومان گرفته شود لیکن قطع دارم این پولی که میگیرند اولاً در بودجه که آخر سال یا اول سال می آورند باز ما همان کسر بودجه را خواهیم داشت.

نه تنها این مبلغ که شاید یک کرور اضافه عایدیش می شود اگر کرور هر چه بنده عرض کنم بی فایده است لیکن عرض بنده اینست سابق برین قانونی ما گذرانده بودیم که صدی بیست و یک بود که تنباکوئی که توده ملت یعنی کثرت مردم استعمال میکنند در صدی یک من بقران یاد و قران قیمت دارد و صدی است از شش گرفته می شد و از یک من دو قران دو عباسی میشد و هر چه قیمتش بیشتر میشد مالیاتش هم باین طور میشد.

ولی حالا مطابق این لایحه بجای یک عباسی یاد عباسی یاده شاهی چهار قران گرفته می شود.

چنانچه پنج کرور هم اضافه شود با این ترتیب جریان امور بیکه ما داریم هر ساله کسر خواهیم داشت.

دیروز بود که در کمیسیون بودجه تصمیم گرفتند که به اصطلاح اصل حقوق درجه اولی بیست و نه تومان باشد.

بعد وقتی که آمد اینجاد در مجلس مطرح شد هم از طرف دولت و هم از طرف بعضی از نمایندگان گفته شد که سی و دو تومان بشود و شده چیزی هم نبود تقریباً یک دو کرور بیشتر تفاوتش نبود.

هم چنین شاید بودجه جدید که می آید یک دلالی اقامه شود که از آن کرانست و نسبت حقوق درجه اول چهل تومان باشد هم چنین سایر حقوق ما هم زیاد شود در صورتی که بنده آنچه اطلاع دارم و مسلم این است که در سایر ممالک استخدام دولت حقوق از سایر جاها کمتر است.

اما بعکس در مملکت ما مستخدمین دولت خیلی کمتر کار میکنند و بیشتر حقوق می گیرند.

حالا اینهم باز خارج از موضوع است (بکثرت از نمایندگان - صحیح است) میبقتدر خواستم این مسئله را عرض کنم و استدعا کنم که دولت من محض اطمینان حاضر میگوید که ما این اضافه مالیاتی را که می گیریم یا برای ازاد بود قشون است یا برای مونسینون قشون است یا به جهت یکی از مؤسسات عام المنفعه است.

بنده هیچ مخالفتی ندارم و اما در خصوص موادش گمان می کنم درست مطالعه نشده و در آتی به چهار اشکالات می شوم.

آقایان می گویند که خیلی مبالغه به خرج داده ایم که پول از زارع نمی گیریم.

خیلی عجیب است! بالاخره این پول از آن کسی که این تنباکو را مصرف می کند گرفته می شود تا جروزار و ادارات و بیک از اینها از کسبه قوت خودشان تأدیه نمی کنند.

این مالیات بالاخره تحمیل می شود و این مالیات را باید لایحه اش می آید و میرود بکمیسیونهای مربوطه و مدتی معطل میشود و بالاخره بیک راپورنی به مجلس می دهند و در مجلس مطرح میشود.

ولی این لایحه این طور نیست، احتیاج مالی - احتیاج اقتصادی - وضعیت بودجه امسال و سال آتی تمام اینها ایجاب میکند که یک مالیاتی بغوریت تصویب شود که از یک ضرورتی هادی دیگری جلوگیری شود.

ولی این لایحه این طور نیست، احتیاج مالی - احتیاج اقتصادی - وضعیت بودجه امسال و سال آتی تمام اینها ایجاب میکند که یک مالیاتی بغوریت تصویب شود که از یک ضرورتی هادی دیگری جلوگیری شود.

ولی این لایحه این طور نیست، احتیاج مالی - احتیاج اقتصادی - وضعیت بودجه امسال و سال آتی تمام اینها ایجاب میکند که یک مالیاتی بغوریت تصویب شود که از یک ضرورتی هادی دیگری جلوگیری شود.

ولی این لایحه این طور نیست، احتیاج مالی - احتیاج اقتصادی - وضعیت بودجه امسال و سال آتی تمام اینها ایجاب میکند که یک مالیاتی بغوریت تصویب شود که از یک ضرورتی هادی دیگری جلوگیری شود.

ولی این لایحه این طور نیست، احتیاج مالی - احتیاج اقتصادی - وضعیت بودجه امسال و سال آتی تمام اینها ایجاب میکند که یک مالیاتی بغوریت تصویب شود که از یک ضرورتی هادی دیگری جلوگیری شود.

ولی این لایحه این طور نیست، احتیاج مالی - احتیاج اقتصادی - وضعیت بودجه امسال و سال آتی تمام اینها ایجاب میکند که یک مالیاتی بغوریت تصویب شود که از یک ضرورتی هادی دیگری جلوگیری شود.

ولی این لایحه این طور نیست، احتیاج مالی - احتیاج اقتصادی - وضعیت بودجه امسال و سال آتی تمام اینها ایجاب میکند که یک مالیاتی بغوریت تصویب شود که از یک ضرورتی هادی دیگری جلوگیری شود.

ولی این لایحه این طور نیست، احتیاج مالی - احتیاج اقتصادی - وضعیت بودجه امسال و سال آتی تمام اینها ایجاب میکند که یک مالیاتی بغوریت تصویب شود که از یک ضرورتی هادی دیگری جلوگیری شود.

ولی این لایحه این طور نیست، احتیاج مالی - احتیاج اقتصادی - وضعیت بودجه امسال و سال آتی تمام اینها ایجاب میکند که یک مالیاتی بغوریت تصویب شود که از یک ضرورتی هادی دیگری جلوگیری شود.

شاهی است چطور برای هر یک من چهار قران تهیه کنند و بدهند؟

این را بنده نمی فهمم. بعلاوه بنده گمان می کنم یک همچو پولهایی که شما نقد و عاجل بخواهید از مردم بگیرید وجود نداشته باشد.

بنده امسال تلگرافاتی داشتم که رعایا و مالکین استدعا کرده بودند از وزارت مالیه که ما بجای مالیات از اجناسی که داریم بدهیم چون پول هیچ نداریم.

گندم داریم، جو داریم، خرماداریم این هستی ماست بهر قیمت که می خواهند عوض مالیات بردارند.

پول از ما می خواهند ما پول نداریم جنسمان را هم نمی توانیم بجائی حمل کنیم.

آنوقت اگر بدهند که متمرند اگر هم بدهند از کجا بدهند؟ پولی که در بین نیست.

غرض این است که یک فکری در اطراف این قضایا بکنید که این قانون عملی شود و من بعد مجبور نشوید یا آن را نسخ کنید و یا بعضی مواد آن را تغییر بدهند.

رئیس - آقای رهنما (اجازه) رهنما - بنده موافق هستم که در این قسمت البته یک مذاکرانی بشود و همین طور که بنده موافق هستم البته یک مخالف هم حق دارد مخالفت خود را اظهار کند.

ولی در اینجا این مسئله را باید طرف توجه قرار داد که البته مالیات وقتی وضع می شود که طرف احتیاج و ضرورت باشد و هر وقت دولت احتیاج داشته باشد کسر بودجه یا کسر عایدش را تأمین کند آنوقت باید مالیات وضع کرد.

این مالیات برای جبران کسر بودجه هم گاهی طوری به مجلس اوابش می آید که فوریتش ضرورت ندارد.

مثل مالیات تصاعدی که لایحه اش می آید و میرود بکمیسیونهای مربوطه و مدتی معطل میشود و بالاخره بیک راپورنی به مجلس می دهند و در مجلس مطرح میشود.

ولی این لایحه این طور نیست، احتیاج مالی - احتیاج اقتصادی - وضعیت بودجه امسال و سال آتی تمام اینها ایجاب میکند که یک مالیاتی بغوریت تصویب شود که از یک ضرورتی هادی دیگری جلوگیری شود.

ولی این لایحه این طور نیست، احتیاج مالی - احتیاج اقتصادی - وضعیت بودجه امسال و سال آتی تمام اینها ایجاب میکند که یک مالیاتی بغوریت تصویب شود که از یک ضرورتی هادی دیگری جلوگیری شود.

ولی این لایحه این طور نیست، احتیاج مالی - احتیاج اقتصادی - وضعیت بودجه امسال و سال آتی تمام اینها ایجاب میکند که یک مالیاتی بغوریت تصویب شود که از یک ضرورتی هادی دیگری جلوگیری شود.

ولی این لایحه این طور نیست، احتیاج مالی - احتیاج اقتصادی - وضعیت بودجه امسال و سال آتی تمام اینها ایجاب میکند که یک مالیاتی بغوریت تصویب شود که از یک ضرورتی هادی دیگری جلوگیری شود.

ولی این لایحه این طور نیست، احتیاج مالی - احتیاج اقتصادی - وضعیت بودجه امسال و سال آتی تمام اینها ایجاب میکند که یک مالیاتی بغوریت تصویب شود که از یک ضرورتی هادی دیگری جلوگیری شود.

ولی این لایحه این طور نیست، احتیاج مالی - احتیاج اقتصادی - وضعیت بودجه امسال و سال آتی تمام اینها ایجاب میکند که یک مالیاتی بغوریت تصویب شود که از یک ضرورتی هادی دیگری جلوگیری شود.

ولی این لایحه این طور نیست، احتیاج مالی - احتیاج اقتصادی - وضعیت بودجه امسال و سال آتی تمام اینها ایجاب میکند که یک مالیاتی بغوریت تصویب شود که از یک ضرورتی هادی دیگری جلوگیری شود.

ولی این لایحه این طور نیست، احتیاج مالی - احتیاج اقتصادی - وضعیت بودجه امسال و سال آتی تمام اینها ایجاب میکند که یک مالیاتی بغوریت تصویب شود که از یک ضرورتی هادی دیگری جلوگیری شود.

ولی این لایحه این طور نیست، احتیاج مالی - احتیاج اقتصادی - وضعیت بودجه امسال و سال آتی تمام اینها ایجاب میکند که یک مالیاتی بغوریت تصویب شود که از یک ضرورتی هادی دیگری جلوگیری شود.

اینها می فهماند که علاوه بر مسائل اقتصادی که امروز ما مبتلا هستیم شاید در نظر گرفته شده که اساساً برای توتون و تنباکو ایران قدمهای مفیدی برداشته شود و شاید اگر ما این شکل بکنیم آنوقت توتون و تنباکوای دیگر صرف نکند که بیاید این جا و دولت البته صدی صد و صدی پنجاه مالیات بر توتونهای که از خارج

کسی که تنباکو استعمال میکنند باید این مالیات را بدهد و اگر استعمال نکنند نه میبیرند سخته میکنند نه بالاخره تنباکش را ترک میکنند و نمی میرد.

بنابرین مالیات بر سیگار و توتون مالیات هر یک مسئله حیاتی نیست و یک کشمکش را در مملکت ایجاد نمیکند.

احتیاج ایجاب کرده است که یک مالیاتی وضع شود اگر نشود بودجه که ما این قدر اصرار داریم بگذرد دچار اشکال میشود؟ وقتی یک دوازدهم میاید بجفس و شاید با صعوبت تلقی میشود برای کسر بودجه است. باید بودجه سال آتی تهیه شده مرتب شده و به مجلس بیاید مالیات را اگر نگذارند و نیاورند به مجلس کسر بودجه پیدا میشود آن وقت هم اگر در ردیف ستون عایدات بنویسند که گفته می شود جزء تصویب نشده است اگر هم نیاورند که گفته میشود راه آهن میخواهیم بسازیم و فلان مسئله باید فلان طور بشود.

پس این فکر را باید کرد که وقتی ما میخواهیم یک کاری بکنیم ببینیم آن را بچه شکل و چه صورتی باید در بیاوریم. از اینها گذشته

این مسئله در سال جدید که ما میخواهیم داخل در آن بشویم یک قسمت مهمی است که اساس بودجه روی آن قائم است و اگر ما این مالیات را تصویب نکنیم وضعیت بودجه مان خوب نخواهد شد.

آنوقت ما میبایست بیک دوازدهم و اسباب زحمت دولت و مجلس فراهم میشود پس بنا برین این مسئله یک مسئله نیست که حتی تظاهر بمخالفت آن هم یک چیز معنونی باشد بلکه تا یک اندازه تظاهر بموافقتش در نزد افکار عمومی عنوان دارد زیرا اگر این مالیات را بر آن طبقه ناتوان و زنجیر و دغ میگردند

البته شاید تظاهر بمخالفتش مفید بود ولی آن کسی که سیگار میکشد و سیگار جزء فضولات زندگانیست از کجا بهتر از این مالیات برایش پیدا کنند که باری هم بروی دوش مردم نباشد.

از طرف دیگر هم در ماده شش و هفت دارد که نسبت بتوتونهای که از خارج می آید بیک شکلی که تقریباً نزدیک به همین مالیات خواهد بود برشان گمرک وضع می شود.

اینها می فهماند که علاوه بر مسائل اقتصادی که امروز ما مبتلا هستیم شاید در نظر گرفته شده که اساساً برای توتون و تنباکو ایران قدمهای مفیدی برداشته شود و شاید اگر ما این شکل بکنیم آنوقت توتون و تنباکوای دیگر صرف نکند که بیاید این جا و دولت البته صدی صد و صدی پنجاه مالیات بر توتونهای که از خارج

کسی که تنباکو استعمال میکنند باید این مالیات را بدهد و اگر استعمال نکنند نه میبیرند سخته میکنند نه بالاخره تنباکش را ترک میکنند و نمی میرد.

بنابرین مالیات بر سیگار و توتون مالیات هر یک مسئله حیاتی نیست و یک کشمکش را در مملکت ایجاد نمیکند.

احتیاج ایجاب کرده است که یک مالیاتی وضع شود اگر نشود بودجه که ما این قدر اصرار داریم بگذرد دچار اشکال میشود؟ وقتی یک دوازدهم میاید بجفس و شاید با صعوبت تلقی میشود برای کسر بودجه است. باید بودجه سال آتی تهیه شده مرتب شده و به مجلس بیاید مالیات را اگر نگذارند و نیاورند به مجلس کسر بودجه پیدا میشود آن وقت هم اگر در ردیف ستون عایدات بنویسند که گفته می شود جزء تصویب نشده است اگر هم نیاورند که گفته میشود راه آهن میخواهیم بسازیم و فلان مسئله باید فلان طور بشود.

پس این فکر را باید کرد که وقتی ما میخواهیم یک کاری بکنیم ببینیم آن را بچه شکل و چه صورتی باید در بیاوریم. از اینها گذشته

این مسئله در سال جدید که ما میخواهیم داخل در آن بشویم یک قسمت مهمی است که اساس بودجه روی آن قائم است و اگر ما این مالیات را تصویب نکنیم وضعیت بودجه مان خوب نخواهد شد.

آنوقت ما میبایست بیک دوازدهم و اسباب زحمت دولت و مجلس فراهم میشود پس بنا برین این مسئله یک مسئله نیست که حتی تظاهر بمخالفت آن هم یک چیز معنونی باشد بلکه تا یک اندازه تظاهر بموافقتش در نزد افکار عمومی عنوان دارد زیرا اگر این مالیات را بر آن طبقه ناتوان و زنجیر و دغ میگردند

البته شاید تظاهر بمخالفتش مفید بود ولی آن کسی که سیگار میکشد و سیگار جزء فضولات زندگانیست از کجا بهتر از این مالیات برایش پیدا کنند که باری هم بروی دوش مردم نباشد.

از طرف دیگر هم در ماده شش و هفت دارد که نسبت بتوتونهای که از خارج می آید بیک شکلی که تقریباً نزدیک به همین مالیات خواهد بود برشان گمرک وضع می شود.

اینها می فهماند که علاوه بر مسائل اقتصادی که امروز ما مبتلا هستیم شاید در نظر گرفته شده که اساساً برای توتون و تنباکو ایران قدمهای مفیدی برداشته شود و شاید اگر ما این شکل بکنیم آنوقت توتون و تنباکوای دیگر صرف نکند که بیاید این جا و دولت البته صدی صد و صدی پنجاه مالیات بر توتونهای که از خارج

کسی که تنباکو استعمال میکنند باید این مالیات را بدهد و اگر استعمال نکنند نه میبیرند سخته میکنند نه بالاخره تنباکش را ترک میکنند و نمی میرد.

يك قسمت راجع بتأمینات مادی این مملکت است که بوسیله قشون و قوای تأمینات بعمل می آید و خوشبختانه عایدات ارضی بضمیمه گمرک برای این مخارج کافی است

زیرا گمرک تقریباً در حدود شش یا هفت کروور عایدی دارد مالیات ارضی هم با معیزی میرسد به ده یا نوزده کروور بنا براین این نه میلیون الی یازده میلیون را که ملت و دولت تخصیص داده است برای قسمت تأمینات این مالیات کفایت میکند و زیاده از این چونکه ما نمی دانیم مصرفش چیست و هنوز دولت مصرفش را معین نکرده نمی توانیم تصویب کنیم

آقای وزیر مالیه فرمودند وضع این مالیات برای کسر بودجه سه آتیه است بدیهی است هنوز بودجه نیامده است که ما بدانیم آیا کسرداری یا نداریم

ما وقتیکه ملاحظه می کنیم و بودجه این سه سال ۱۳۴۳ را نگاه می کنیم ببینیم که ارقام برجسته خرج یکی قشون و تأمینات است

این قسمت را بنده عقیده ام این است که مطابق ترتیب امسال مال سال آتیه را هم همان طور علیحده رای بدهیم

و اما راجع بسایر قسمت هایی که هنوز وجود و بقا نشان برای مملکت معزز و مسلم نیست بنده نمی توانم از طرف خودم یا دیگران اظهار عقیده کنم بگویم که مالیات يك مالیه وضع کنیم پس مخالفت بنده یکی روی این اصل است که باید آن مالیاتی که مردم میدهند برای خرج های ضروری این مملکت قسمت معارف است که تقریباً صد هزار تومان صرف معاف میشود و در حدود همان یازده میلیون خرج تأمینات میشود حساب کرد و مابقی که سیزده الی چهارده میلیون است معلوم نیست مصرفش چیست و مصارفش برای این مملکت چیست

بنابر این بنده این مخارج را زائد میدانم و بعلاوه نباید يك مالیات جدیدی وضع شود

چیز دیگری که بنده را بمخالفت با این قانون واداشته است این است که بنده اهل نهانده هستم يك قسمت عمده نهانده که بدبخت ها اسیر و گرفتار اشرار شده اند و چیزی که از آنها مانده همین مسئله تنباکو است و قیمت تنباکو در آن جا حد املاش از ضروری هفت تومان است الی بیست تومان آن وقت این مالیات میگوید کسی که يك من تنباکو دارد و قیمتش سی شاهی بیشتر نیست یا کمتر یا بیشتر باید چهار قران بدهد

بدیهی است که این وضع مالیات وجه من الوجوه عادلانه نیست و از طرف دیگر

آقایان که در قسمت غرب هستند میدانند قسمت عمده توتون خوبی که در آن جا می آید از يك قسمت بن النهرین و کردستان عثمانی می آید و اگر بنا شود این مالیات وضع شود سبب میشود که بکلی عایدات داخلی ما از بین برود و تنباکو و توتونی که مال خارجه است بمصرف میرسد

این است که بنده در روی این دواصل با این لایحه مخالفم و عقیده ام این است که اصلاً این لایحه نباید وضع شود

ناصر الاسلام - آقایان مذاکرات در کلیات است ما وارد مواد شده ایم

آقا شیخ جلال - این مخالفت بنده بود راجع به اصل وضع مالیات عموماً وضع این مالیات خصوصاً اما در ماده دوم که نوشته است هر کس يك من تنباکو دارد یا بستی چهار قران بدهد بنده خیال میکنم اگر آقایان مراجعه کنند به تاجر تنباکو و فروش تصدیق میفرمایند که يك قسمتی در زد کاشان نهانند خرم آباد

گلایبان و تمام این جاها تنباکو يك من يك قران است الی دوقرآن و آن وقت يك عمده اشخاصی که جنسشان را د و قران نمیخرند چگونه میشود تحمیل کرد که يك من چهار قران بدهند

نظر دیگری که بمعرض آقایان میرسانم این است که حقیقه امروز در مملکت مایول نیست

ممکن است بگوئیم نصف عایداتی که دارند بگیرند اما جنس بگیرند زیرادر مملکتی که پول نیست اگر يك نفر کاسب یا زارع تحمیل کنیم و بگوئیم تمام محصولات را بده بهتر از این است که گفته شود باید پول بدهید

چرا ؟ برای اینکه جنس يك چیزی است که در قدرت او هست ولی باین ترتیب مجبور می شود عایدات دیگر و سایر مالیه خود را بفروشد و مالیات بدوالت بدهد

این است که بنده با ماده دو مخالفم و يك پیشنهادی در این خصوص دارم که تقریباً توتون سیگار يك من دوقرآن و چوق يك قران و تنباکو يك من ده شاهی و در موقع پیش نهاد توضیحات خود را هرص میکنم

وزیر فواید عامه - از بیانات آقای آقا شیخ جلال اگر يك کسی مطلع نمی بود همچو ممکن بود درك کند که امروز مجلس شورای ملی تازه دارد يك مالیات جدیدی بر دخانیات وضع میکند و باین جهت ایشان مخالفت میفرمایند و میفرمایند این مالیات نباید وضع شود در صورتیکه ایشان نباید فراموش کنند که این مالیات مدتی است در این مملکت هست و حقیقه اگر در لایحه که پیشنهاد شده است دقت کنند چند قوه اصلاح است که يك اصلاح مهمش تبدیل مالیات جنسی است نه نقدی

ممکن است البته در ضمن رسیدگی ببینیم که در ماده دوم پیشنهاد شده است بعضی از آقایان اختلاف نظر داشته باشند

یعنی بفرمائید مبالغی که پیشنهاد شده است تناسب قطعی کامل با صدی سی و صدی بیست ندارد

شاید اگر فقط مذاکرات در همین زمینه بشود بعد از تبادل نظر و تعاطی فکر ممکن شود يك راه حلی که موجب موافقت نظر طرفین باشد بدست آورده و الی بالاخره باید بدانند که این مالیات تازه نیست و این اصل را نباید فراموش کرد و باید بدین که این تبدیل مالیات جنسی است نه نقدی حالا وارد شویم در اعتراضاتی که آقای آقا شیخ جلال فرمودند

اولاً اسم مالیات را که از مردم اخذ میشود حزیه گذاشتند بعقیده من در يك مملکت آزادی اسم مالیات را نمیشود حزیه گذاشت

مالیات مساعدت و مشارکتی است که هر يك از افراد مملکت برای گاهداری مؤسسات مملکت خودشان می نمایند و این حزیه نیست و از روی کمال رغبت و میل این را میکنند و باید بدهم بکنند

زیرا که مؤسسات مملکت محتاج بخرج است و افراد حساس يك مملکتی نباید بگذارند مخارج مملکتشان از جاهای دیگر تهیه شود بلکه باید خودشان مخارج خود را تقبل کنند و وقتی این تقبل را کردند اسم مالیات را نمیشود حزیه گذاشت

يك اصل دیگری که بنظرشان مسلم بود و فرمودند این بود که ابتدا باید خرج معین شود بعد دخل

این اصل هم صحیح است و هم صحیح نیست این اصل صحیح است در مالیه که تمام احتیاجات خودشان را در ضمن عمل پیش بینی کرده اند و متدرجاً تأمین کرده اند و آن وقت میخواهند احتیاجات فرعی خودشان را تأمین کنند مخارج احتیاجات اصلی و فرعی خود را مرتب میکنند و بعد بتناسب آن خرج دخل پیش بینی میکنند اما در مملکت ایران هنوز این اصل نیست و این اصل غلط است در مملکت ایران که صدی و سی شش هزار تومان فقط خرج صیبه اش میشود

در مملکت ایران که ششصد هزار و خورده فقط صرف معارف میشود

در مملکت ایران که قریب سیصد و پنجاه و شش هزار تومان خرج راه سازی آن میشود آیا میتوان گفت که این مملکت هواد اضافی لازم ندارد؟

پس بدون رسیدگی به اقلام خرج میتوان گفت که این مملکت عایدی لازم دارد این مملکت عایدی خودش را باید بد

مقابل عایدی امروز بکنند و توافقیکه مقابل امروزه نکند نمی توان این را خودش اجازه بدهد که در طریق سیر کند

پس بنابر این این اصل هم که در جاها حقیقه مسلم است که اول باید در رادر نظر گرفت و بعد عایدات را بداد این اصل در مملکت ایران مصداق دور خارجی ندارد در مملکت ما باید سعی کرد عایدات را زیاد کرد

فرمودند مخارج ضروری که فقط قسمت تأمینات است بنده هم با این موافقم مخارجیکه برای قوه تأمین این مملکت میشود بر سایر مخارج مقدم است ولی تمام مخارج مملکتی هم منحصر باین خرج نیست

فرق است مابین خرجیکه مقدم سایر مخارج است یا اینکه منحصر باین خرج است هیچ مملکت مشروط را دولتی نمیتواند بگوید که فقط بگاه خرج من مخارج قوه تأمین است بلکه مخارج اولی مختلفه دیگر هم هست

همین طور که قشون لازم است و همین طور راه و عدلیه لازم است و همین طور که پلیس است همانطور مدرسه هم لازم است

همین طور که زانهارم لازم است و همین طور که صیبه لازم است مخارج تمام این را وقتی جمع کنیم مخارج مملکت می شود

پس با تصدیق باین اصل و با تأمین این اصل که قوه تأمینیه و مخارج مخارج مملکتی منحصر باین خرج نیست مخارج ادارات دیگر هم هست

وارد شدند در اصل مطلب و فرمودند که در بعضی جاها تنباکو و توتو قیمتش يك پیکر آن وسی شاهی و دوقرآن است و میفرمایند يك من چهار قران و يك تومان و یا نوزده قران مالیات وضع کنیم

البته مقصود ایشان راجع به چهار قران تنباکو بوده است و فرمودند اگر يك من چهار قران وضع کنیم اسباب ترویج مال التجاره خارجه خواهد شد و غفلت از این فرمودند که در خود لایحه این مطلب پیش بینی شده است یعنی در لایحه ذکر شده

است که دولت مالیات گمرکی را خواهد رساند بعد مالیاتیکه از توتون و تنباکو داخله میگیرند برای این که اسباب ترویج و ورود اتمه خارجه فراهم نشود

پس از این نقطه نظر هیچ تشویقی نسبت بوزادات خارجه نشده و گام میکنم این ماده کاملاً مقصود ایشان را تأمین نماید

دیگر اینکه فرمودند نظریه اینکه در مملکت پول نیست به این جهت زان

بی چاره قادر نخواهد بود که این مالیات گراف را نقدی بدهد

ولی اگر در یکی از مواد دیگر دقت میکردند ملاحظه میفرمودند که این مالیات نه تنها از زارع گرفته نمی شود بلکه از تاجر خرنده دست اول هم گرفته نمی شود

پس ببینیم این مالیات از کی گرفته می شود؟

زارع تنباکو خودش را جمع می کند و بهر قیمتی که دلش میخواهد بتاجری می فروشد آنوقت اگر توتو نیست باید بریده شود و اگر تنباکو است باید خشک شود و حاضر می کند حفظ الصحه افراد مملکت را هم مراعات کرده باشد

این که بسیار چیز خوبی است و اگر دولت موفق شود يك مالیاتی برقرار کند که در ضمن اینکه عوائد خودش را زیاد می کند حفظ الصحه افراد مملکت را هم مراعات کرده باشد

باید قدر دانی کرد و باید يك همچو لایحه قانونی را استقبال کرد نه اینکه بگوئید که سرمایه از همه ما بیشتر است و برای آن قاجر هم دادن مالیات تحمیلی نیست و وقتیکه موقع استعمال این تنباکو است آن وقت از آن شخص این مالیات را میگیرند

پس در این جا نه تحمیلی بر زارع شده است و نه تحمیلی بر آن خرنده اولی بوده است

پس این اعتراض ایشان وارد نیست اعتراض دیگری که فرمودند این بود که اساساً این مالیات زیاد است

راست است من هم تصدیق میکنم که زیاد است اما ایشان نباید فراموش میفرمایند که تمام ملل مختلفه دنیا در برقرار کردن مالیات دواصل را انتخاب می کنند و این دو اصل نسبت بهم تضاد است یکی اصل تسهیلی است که در عین اینکه میخواهند يك حق بگیرند

خود آن مال التجاره و محصول را می خواهند از بین ببرند و می خواهند نشر و استعمال آن را تشویق بنمایند و اگر فرض بفرمائید شما بخواهید مالیاتی بر گندم وضع کنید

البته باید مالیات بر گندم وضع کرد و اگر هم می خواهید وضع کنید یا بشودری قابل باشد که محسوس نباشد

يك اصل دیگر مالیات منعی است که مخصوصاً مالیات زیاد بر بعضی چیز ها تحمیل می شود که حتی الامکان کم شود نه اینکه تشویق شود و فقط در يك مورد تشویق می کنند و آن نسبت به صادرات است یعنی آن مال التجاره که اساساً برای مصرف داخله مضر است و هیچ دولتی مایل نیست آن را در داخله خودش استعمال کند

ولی چون هیچ دولتی هم مقید نیست حفظ الصحه سایر ممالك را منظور و مراعات کند يك تسهیلاتی فراهم می کند که بتوانند آن را بخارجه حمل کنند یعنی همان اصلی که در این لایحه منظور شده است

تنباکو و تنبا کوه توتون که از خاک ایران

بخارجه حمل می شود از این مالیات معاف شده است

اما از نقطه نظر استعمال داخلی باید این مالیات را بگیرند

آقای میفرمایند این مالیات زیاد است خوب بدی این زیادی مالیات چیست اگر بدیش این است که يك عمده بواسطه گرانی توتون و تنباکو از کشیدن آن صرف نظر می کنند

این که بسیار چیز خوبی است و اگر دولت موفق شود يك مالیاتی برقرار کند که در ضمن اینکه عوائد خودش را زیاد می کند حفظ الصحه افراد مملکت را هم مراعات کرده باشد

باید قدر دانی کرد و باید يك همچو لایحه قانونی را استقبال کرد نه اینکه بگوئید که سرمایه از همه ما بیشتر است و برای آن قاجر هم دادن مالیات تحمیلی نیست و وقتیکه موقع استعمال این تنباکو است آن وقت از آن شخص این مالیات را میگیرند

پس در این جا نه تحمیلی بر زارع شده است و نه تحمیلی بر آن خرنده اولی بوده است

پس این اعتراض ایشان وارد نیست اعتراض دیگری که فرمودند این بود که اساساً این مالیات زیاد است

راست است من هم تصدیق میکنم که زیاد است اما ایشان نباید فراموش میفرمایند که تمام ملل مختلفه دنیا در برقرار کردن مالیات دواصل را انتخاب می کنند و این دو اصل نسبت بهم تضاد است یکی اصل تسهیلی است که در عین اینکه میخواهند يك حق بگیرند

خود آن مال التجاره و محصول را می خواهند از بین ببرند و می خواهند نشر و استعمال آن را تشویق بنمایند و اگر فرض بفرمائید شما بخواهید مالیاتی بر گندم وضع کنید

البته باید مالیات بر گندم وضع کرد و اگر هم می خواهید وضع کنید یا بشودری قابل باشد که محسوس نباشد

يك اصل دیگر مالیات منعی است که مخصوصاً مالیات زیاد بر بعضی چیز ها تحمیل می شود که حتی الامکان کم شود نه اینکه تشویق شود و فقط در يك مورد تشویق می کنند و آن نسبت به صادرات است یعنی آن مال التجاره که اساساً برای مصرف داخله مضر است و هیچ دولتی مایل نیست آن را در داخله خودش استعمال کند

ولی چون هیچ دولتی هم مقید نیست حفظ الصحه سایر ممالك را منظور و مراعات کند يك تسهیلاتی فراهم می کند که بتوانند آن را بخارجه حمل کنند یعنی همان اصلی که در این لایحه منظور شده است

تنباکو و تنبا کوه توتون که از خاک ایران

شش قران

پست دوقرآن

توتون چوق عالی يك من دوتومان

متوسط يك تومان

پست چهار قران

توتون سیگار عالی ۲۵ قران

متوسط و توتومان

پست ۵ قران

پیشنهاد شاهزاده غلامحسین میرزا - بنده ماده دوم را اینطور پیشنهاد میکنم: از کلیه توتون و تنباکو معادل ۵ درصد قیمت مالیات دریافت میشود

پیشنهاد آقای صدر العلماء - پیشنهاد میکنم که در بین توتون و تنباکو اعلا و وسط و پست در اخذ مالیات فرق و تفاوت گذارده شود و عادلانه تقسیم بندی نمایند

پیشنهاد آقای احتشام الحکماء - در موضوع مالیات دخانیات بنده پیشنهاد می کنم صدی ۵۰ از خریدار گرفته شود

پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال - بنده پیشنهاد میکنم توتون سیگار يك من دو دوقرآن

چوق يك من يك قران

تنباکو يك من ده شاهی

پیشنهاد آقای اجاق - پیشنهاد میکنم در ماده دوم چنانچه صاحب تنبا کو حاضر نباشد من چهار هزار بدهد نصف از تنبا کو مختار باشد در دادن من چهار هزار یا نصف از جنس خود که تنبا کو است

پیشنهاد آقای صدر العلماء - پیشنهاد میکنم که از توتون چوق عالی يك تومان و از غیر اعلا پنج قران و از توتون سیگار اعلا يك تومان و از وسط پنج قران و از پست ۳ قران مالیات دخیان گرفته شود

پیشنهاد آقایان قائم مقام الملك و کی استوان - بنده پیشنهاد میکنم که مالیات سیگار بجای يك من یا نوزده قران يك من دوازده قران و يك من هشت قران نوشته شود اعلا دوازده قران بقیه هشت قران

پیشنهاد آقای آقا آقا شیخ جلال - بنده پیشنهاد می نمایم که ماده دوم بطریق ذیل اصلاح شود

توتون سیگار صدی سی از عین توتون چوق صدی بیست از عین تنباکو صدی بیست از عین

ایضاً پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال - بنده پیشنهاد می نمایم که در ذیل ماده دوم اضافه شود

در هر محلی که قیمت تنبا کو و توتون کمتر از ۴ برابر مالیات موضوعه است توتون سیگار منی ۶ قران

توتون چوق منی دوقرآن

تنباکو منی یکقران

پیشنهاد آقای قائم مقام - پیشنهاد می کنم توتون چوق قسمت منقسم شود

برای توتون چوق که از ارومیه

مباید مطابق توتون سیگار مالیات وضع شود و برای بقیه توتون های چوقی کلتیکه مخصوص زارعین و فقراء است چهار قران مالیات اخذ شود

پیشنهاد آقای شیروانی - بنده پیشنهاد می کنم ماده دوم بطریق ذیل اصلاح شود

ماده دوم - از تاریخ تصویب این قانون دولت خرید و فروش توتون و سیگار و تنبا کو مصرف داخلی را بخود انحصار داده و صدی هشتاد و پنج باسم مالیات بر قیمت آن خواهد افزود

تصوره مدت اجرای این ماده ۳ سال خواهد بود

نایب رئیس - پیشنهاد شاهزاده غلامحسین میرزا و آقای احتشام الحکماء هر دو يك مضمونست قرائت و مطرح میشود

(پیشنهاد آقایان احتشام الحکماء و غلامحسین میرزا بشرح سابق قرائت شد)

بعضی از نمایندگان - پیشنهاد آقای مدرس مقدم تراست

نایب رئیس - پیشنهاد ایشان تبصره است بعد مطرح می شود

آقای غلامحسین میرزا (اجازه)

غلامحسین میرزا - بنده شخصاً معتقدم این لایحه را که دولت پیشنهاد کرده است که بر هر منی از تنبا کو چهار قران مالیات وضع شود بر عایدات دولت افزوده نخواهد شد

باین جهت این پیشنهاد را کردم و تصور میکنم اگر از قیمت تنبا کو صدی پنجاه دریافت کنند هم عایدات فعلی دو برابر می شود و هم مسئله تقدیم در پیش نخواهد بود

وزیر فواید عامه - اگر شاهزاده غلامحسین میرزا بتوضیحاتی که امروز صبح داده شد توجه میفرمودند این پیشنهاد را نمیفرمودند زیرا یکی از عللی که موجب پیشنهاد این لایحه شده است همین اشکال است زیرا در اینجا دولت دو اشکال دارد

یکی اینکه باید دولت عین جنس را بگیرد آنوقت باید انبار دار و تاجر تنبا کو باشد و این فائده ندارد و اسباب زحمت برای دولت است

برای اینکه دولت همیشه مجبور است بیزارشکنی کند و بازار توتون و تنبا کو را بشکند که خودش تجارت کند پس اساساً باید معتمد شد که توتون و تنبا کو را دولت جنس بگیرد

بلکه مالیات دولت را نقدی داد و این اصل را هم باید عمومیت داد و اگر سابقاً مرسوم بود است دولت در هر جایی انبار گاه و جور پنجه و گندم و چه وجه داشته است آنهارا هم باید متوقف نمود و مالیات مملکتی را بایستی نقدی و بکنواخت کرد و این پیشنهاد شاهزاده این قسمت را هم

تأمین نمیکند چرا ؟

برای اینکه شما اگر بخواهید صدی پنجاه قیمت جنس را از من که تاجر توتون و تنباکو هستم بگیرد باید، آن را تقویم کنید برای اینکه معین کنید که صدی پنجاه قیمت آن چقدر خواهد بود

آنوقت من که دولت هستم خواهام گفت خرواری بیست تومان و شما که صاحب جنس هستید میگوئید خیر خرواری پنج تومان.

حکم کی خواهد بود ؟ در معاملات دولتی هم که نمیشود بدلیه رفت یا یک حکم سومی را معین کرد و فقط یک راهی که برای دولت هست این است که جواب میدهد اگر در قیمت توافق نظر نداریم صدی پنجاه جنس بده

آنوقت تازه همان اشکالی پیش میآید که بنده عرض کردم و اگر این اشکال نبود شما اطمینان میدادم که دولت این لایحه را نمی آورد و همان صدی بیست و سی خودش اکتفا می کرد

و اگر دولت قادر می شد این اشکال را رفع کند

یقین بدانید که عایدات دخانیات لافل پنج برابر حالا بود و از نقطه نظر همان تکثیر عایدات محتاج نبود لایحه تازه پیشنهاد کند.

قانون سابق ماصدی سی و صدی بیست بود و این پیشنهاد ایشان صدی پنجاه است و باز تازه تمام اختلافات و مشکلات سابق در باب تقویم و عدم اطمینان بتدوین مأمورین جزء باقی میماند.

پس بنا بر این یکانه راه عمل و یگانه راه کاستن از عده مستخدمین یعنی کاستن از وسعت اداره دخانیات و رفع شکایت مردم این است که مالیات نقدی بشود.

نایب رئیس رای می گیریم پیشنهاد شاهزاده غلامحسین میرزا.

آقایانی که موافقت قیام فرمایند (عده قیام نمودند)

نایب رئیس تصویب نشد.

پیشنهاد آقای احتشام الحکماء هم ضمناً رد شد.

پیشنهاد آقای صدرالعماء مطرح است.

خودشان که نیستند. پیشنهاد آقای طهرانی قرائت می شود.

(مجدداً شرح سابق قرائت شد)

نایب رئیس - آقای طهرانی

(اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - آقای سردار معظم بواسطه قوه منطقه ای که دارند اداره را يك شكلی اقامه می کنند که در وهله اولی انسان مجبور است تصدیق کند.

بنده از جهت وضع مالیات با ملاحظه سیاست دولت و حفظ استقلال مملکت و

طرفداری از دولت هیچ حرفی ندارم لکن اصل عدالت در وضع مالیات باید منظور شود.

تمام زحماتی که برای مالیات تصاعدی می کشید برای این است که میخواهید مراتب اعلى بیشتر از مراتب ادنی مالیات بدهند.

ولی امروز این مالیاتی را که دولت به این کیفیت پیشنهاد کرده است عادلانه نیست برای اینکه آن اشخاصی که تنباکوی يك من چهار تومان را میکشند باید چهارقران مالیات بدهند و همچنین کسانی که تنباکوی يك قران دو قران می کشند آنها هم باید يك من چهارقران مالیات بدهند و این متناسب نیست برای اینکه سرمایه داری که سرمایه اش بهیچ وجه من الوجود نفع برای مملکت ندارد و تنباکوی يك من چهار تومان می کشد باید چهارقران مالیات بدهد.

و آن بدبخت بیچاره هم که دو قران میدهد يك من تنباکو میخرد آنها هم باید چهارقران بدهد.

و همچنین توتون چیق و سیگار آن کسانی که اشراف مآب هستند و توتونهای عالی می کشند آنها يك من يك تومان مالیات بدهند.

و آن زارع بیچاره هم که بیل میزند و زحمت میکشد و برای رفع خستگی خودش میخواهد يك چیق بکشد آنها هم باید يك من يك تومان مالیات بدهد و اگر بنا باشد اشخاص طبقه اول که توتونشان گیر و آنکه يك تومان قیمت دارد مثل توتون آقای وزیر فوايد عامه پانزده قران مالیات بدهند.

و بنده هم که توتون گیر و آنکه دو قران میکشم پانزده قران مالیات بدهم این هیچ تناسبی ندارد.

در موقع وضع مالیات باید تناسب منظور شود و مقتضی این است آنکسی که بیشتر سرمایه دارد بیشتر مالیات بدهد آنکسی که کمتر سرمایه دارد کمتر مالیات بدهد.

و اگر اصولاً دولت میخواهد برای رعایت حفظ الصحه جلو گیری از استعمال آن بکند آن يك ترتیبی است و بعقبه بنده اگر این ترتیب ممکن بود تمام ملل و دول دنیا استعمال آنرا منع کردند ولی ترك استعمال آن نمی شود.

برای اینکه افراد جامعه بواسطه خیالات و تفکراتی که دارند مجبور هستند يك مخدراتی که خیلی مضر نباشد استعمال کنند.

و خود آقای امیراعلم که اینجا نشسته اند

بالاینکه مضرات توتون را کاملاً می دانند مملکت بیشتر از همه سیگار میکشند چرا برای اینکه طبیعت بشری هیچوقت خوش و خرم نیست.

و گاهی مجبور است يك مخدراتی استعمال کند که مسکن باشد و يك کسی که عصبانی میشود وقتی يك سیگار کشید راحت میشود.

بنابر این بنده پیشنهاد کردم توتونهای عالی بیشتر مالیات بدهند و توتونهای متوسط و متوسط مالیات بدهند.

این است پیشنهاد بنده.

نایب رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - بنده توجه آقایان را به این مسئله جلب می کنم که نظر دولت در اصلاح قانون دخانیات فقط این بود که از اجرای عملیاتی که مستلزم صرف وقت و اشکال اجرای آن بود صرف نظر نمایند بنابر این هر پیشنهادی که مخالف این اصل باشد قابل قبول نیست.

و این پیشنهادی که آقای طهرانی داده اند تقریباً مؤید همان اصل سابق است و دولت باید متحمل زحماتی بشود و مأمورین زیادی برای تشخیص طبقات تنباکو معین کند.

قسمت دیگر از اظهارات ایشان این بود که باید نسبت بطبقات کارگر و رنجبر رعایت عدالت بشود و از تنباکوی که آنها میکشند نباید مالیات بگیرند.

بنده تصور میکنم که اگر مقصود خدمت به افراد کارگر است بهتر این است که این لایحه را تصویب کنیم و هر قدر دولت اقداماتی بکند برای اینکه استعمال این سم کمتر بشود برای حفظ الصحه آنها بهتر است.

نایب رئیس - رای می گیریم پیشنهاد آقای طهرانی. آقایان موافقت قیام فرمایند.

(عده ای قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد.

پیش نهاد آقای آقا شیخ جلال قرائت می شود.

(مجدداً ترتیب سابق خوانده شد)

نایب رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه)

آقا شیخ جلال - موافقت این لایحه فقط اظهاراتیکه میکنند این است که می گویند در قانون سابق نظر باینکه عنوان قیمت در بین بود و تقویم آن سبب اختلاف مابین دولت و مؤدیان مالیاتی بود این بود که دولت این لایحه را پیشنهاد کرد برای اینکه این مشکلات و اختلافات رفع شود.

در صورتی که مردم پول ندارند مالیات بدهند و دولت هم فشار میآورد و برور از مردم پول میخواهد آنوقت آنها هم مجبور میشوند تمام زندگانیشان را بفروشند و مالیات دولت را بدهند.

این است که بنده پیشنهاد کردم از عین جنس هر قدر که می خواهند مالیات بگیرند و آقایانی که اطلاع از وضعیت این مملکت دارند تصدیق میکنند که در هیچ جا پول نیست و حالا که پول نیست پس باید آنچه را که مردم دارند از همان مالیات گرفت

یعنی مالیات توتون و تنباکو را از عین جنس

بگیرند.

نایب رئیس - رای می گیریم پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال، آقایان موافقت قیام فرمایند.

(عده ای قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد.

پیش نهاد آقای قائم مقام قرائت می شود.

(شرح سابق خوانده شد)

نایب رئیس - آقای قائم مقام (اجازه)

تقديم كردم مقصودم اين بود كه اسم بنده جزء پیشنهاد کنندگان ذکر شود.

ولی يك چیزی هست که بنده لازم دانستم آنرا تذکر بدهم بعد دیگر بسته برای آقایانست.

توتون چیق دو قسم است: یکی اینست که در ارومیه و نونچه زراعت میشود و آن توتون مخصوص است برای سیگار.

حتی امروز در خود ارومیه که این توتون زراعت میشود یکدانه چیقی نیست و تمام مردم آنجا حتی زارعین سیگار میکشند و آنقدر از این هم که حمل میشود و به طهران میآید میتوان گفت که صدی نود از آن توتون را بانو تون سیگار مخلوط میکنند و سیگار می بچند و خیلی کم اشخاصی هستند که آن را با چیق بکشند و در واقع نادر است که این توتون را با چیق بکشند خلاف سایر توتونهای که در دهات کاشته میشود قیمت آنها منی یک قران و دو قران است.

مثلاً در ولایات ما آن توتونی که خوب است قیمتش یکمن تبریز دو قران است.

حالا بر توتون یکمن دو قران يك دفعه يك تومان مالیات وضع کردن این يك تعمیل زیادی بر فقراء میشود.

ولی اینکه میگویند بزراع تعمیل نمیشود درست است ولی از آنطرف بطور غیر مستقیم تمام این تعمیل بدوش زارع وارد می آید.

یعنی يك زارعی که روزی دهشاهی میداد و پنج سیر توتون میخرد و میکشد حالا باید يك مرتبه دوریال بدهد و دوریال دادن برای زارع خیلی گران تمام میشود بنابر این بنده عرض کردم هر قدر از این توتون که سیگار میشود

یعنی توی گیلان میرود مالیات آن را مطابق توتون سیگار بدهند ولی باقی چون کم قیمت تر است مالیات آنرا هم خوب است چهارقران کنید و باز در مقابل بر قیمت آن علاوه میشود.

یعنی کسیکه دهشاهی میداد توتون میخرد حالا باید يك قران بدهد و باز از تهر گمان میکنم انصاف نباشد.

این است که بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم.

نایب رئیس - رای می گیریم پیشنهاد آقای قائم مقام. آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(جمعی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد.

پیش نهاد آقای آقا شیخ جلال، آقایان موافقت قیام فرمایند.

(شرح سابق خوانده شد)

نایب رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه)

تقديم كردم مقصودم اين بود كه اسم بنده جزء پیشنهاد کنندگان ذکر شود.

ولی يك چیزی هست که بنده لازم دانستم آنرا تذکر بدهم بعد دیگر بسته برای آقایانست.

توتون چیق دو قسم است: یکی اینست که در ارومیه و نونچه زراعت میشود و آن توتون مخصوص است برای سیگار.

حتی امروز در خود ارومیه که این توتون زراعت میشود یکدانه چیقی نیست و تمام مردم آنجا حتی زارعین سیگار میکشند و آنقدر از این هم که حمل میشود و به طهران میآید میتوان گفت که صدی نود از آن توتون را بانو تون سیگار مخلوط میکنند و سیگار می بچند و خیلی کم اشخاصی هستند که آن را با چیق بکشند و در واقع نادر است که این توتون را با چیق بکشند خلاف سایر توتونهای که در دهات کاشته میشود قیمت آنها منی یک قران و دو قران است.

مثلاً در ولایات ما آن توتونی که خوب است قیمتش یکمن تبریز دو قران است.

حالا بر توتون یکمن دو قران يك دفعه يك تومان مالیات وضع کردن این يك تعمیل زیادی بر فقراء میشود.

ولی اینکه میگویند بزراع تعمیل نمیشود درست است ولی از آنطرف بطور غیر مستقیم تمام این تعمیل بدوش زارع وارد می آید.

یعنی يك زارعی که روزی دهشاهی میداد و پنج سیر توتون میخرد و میکشد حالا باید يك مرتبه دوریال بدهد و دوریال دادن برای زارع خیلی گران تمام میشود بنابر این بنده عرض کردم هر قدر از این توتون که سیگار میشود

یعنی توی گیلان میرود مالیات آن را مطابق توتون سیگار بدهند ولی باقی چون کم قیمت تر است مالیات آنرا هم خوب است چهارقران کنید و باز در مقابل بر قیمت آن علاوه میشود.

یعنی کسیکه دهشاهی میداد توتون میخرد حالا باید يك قران بدهد و باز از تهر گمان میکنم انصاف نباشد.

این است که بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم.

یعنی کسیکه دهشاهی میداد توتون میخرد حالا باید يك قران بدهد و باز از تهر گمان میکنم انصاف نباشد.

این است که بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم.

یعنی کسیکه دهشاهی میداد توتون میخرد حالا باید يك قران بدهد و باز از تهر گمان میکنم انصاف نباشد.

نایب رئیس - تصویب نشد.

پیش نهاد آقای قائم مقام الملك و کی استوان قرائت می شود.

(شرح سابق خوانده شد)

نایب رئیس - آقای قائم مقام الملك (اجازه)

تقديم كردم مقصودم اين بود كه اسم بنده جزء پیشنهاد کنندگان ذکر شود.

ولی يك چیزی هست که بنده لازم دانستم آنرا تذکر بدهم بعد دیگر بسته برای آقایانست.

توتون چیق دو قسم است: یکی اینست که در ارومیه و نونچه زراعت میشود و آن توتون مخصوص است برای سیگار.

حتی امروز در خود ارومیه که این توتون زراعت میشود یکدانه چیقی نیست و تمام مردم آنجا حتی زارعین سیگار میکشند و آنقدر از این هم که حمل میشود و به طهران میآید میتوان گفت که صدی نود از آن توتون را بانو تون سیگار مخلوط میکنند و سیگار می بچند و خیلی کم اشخاصی هستند که آن را با چیق بکشند و در واقع نادر است که این توتون را با چیق بکشند خلاف سایر توتونهای که در دهات کاشته میشود قیمت آنها منی یک قران و دو قران است.

مثلاً در ولایات ما آن توتونی که خوب است قیمتش یکمن تبریز دو قران است.

حالا بر توتون یکمن دو قران يك دفعه يك تومان مالیات وضع کردن این يك تعمیل زیادی بر فقراء میشود.

ولی اینکه میگویند بزراع تعمیل نمیشود درست است ولی از آنطرف بطور غیر مستقیم تمام این تعمیل بدوش زارع وارد می آید.

یعنی يك زارعی که روزی دهشاهی میداد و پنج سیر توتون میخرد و میکشد حالا باید يك مرتبه دوریال بدهد و دوریال دادن برای زارع خیلی گران تمام میشود بنابر این بنده عرض کردم هر قدر از این توتون که سیگار میشود

یعنی توی گیلان میرود مالیات آن را مطابق توتون سیگار بدهند ولی باقی چون کم قیمت تر است مالیات آنرا هم خوب است چهارقران کنید و باز در مقابل بر قیمت آن علاوه میشود.

یعنی کسیکه دهشاهی میداد توتون میخرد حالا باید يك قران بدهد و باز از تهر گمان میکنم انصاف نباشد.

این است که بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم.

یعنی کسیکه دهشاهی میداد توتون میخرد حالا باید يك قران بدهد و باز از تهر گمان میکنم انصاف نباشد.

این است که بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم.

یعنی کسیکه دهشاهی میداد توتون میخرد حالا باید يك قران بدهد و باز از تهر گمان میکنم انصاف نباشد.

یعنی کسیکه دهشاهی میداد توتون میخرد حالا باید يك قران بدهد و باز از تهر گمان میکنم انصاف نباشد.

باشد والا اگر بخواهند سرخرمن مالیات بگیرند ممکن است از دمن تنباکو چهار تومان بگیرند در صورتی که وقتی قابل تجارت می شود ۳ من آن بیشتر باقی نمانده است.

نایب رئیس - گمان می کنم نظریه آقای صدرالاسلام در ماده ۶ تا يك اندازه تأمین شده باشد و اگر هم بخواهند پیش نهاد کنند باید در ماده ۶ پیش نهاد کنند.

وزیر فوايد عامه - در ماده اول نظریه آقای ذکر شده و گفته شده است تنباکو و توتون تهیه شده و نظر باینکه مسائل فرعی در نظام نامه ذکر خواهد شد.

لهذا همین نظریه آقای در نظام نامه تأمین خواهد شد و محتاج به پیش نهاد نیست.

اما بعضی آقایان از وزراء سؤال می کنند که مقصود از من کدام است این البته محتاج بتوضیح نیست که من تبریز است ممکن هم هست اضافه کردن تبریز.

نایب رئیس - رای گرفته می شود.

صدر اسلام - اجازه فرمائید.

نایب رئیس - بفرمائید.

صدر اسلام - بعد از قرائت ماده ۶ اگر چنانچه محتاج باشند آن وقت رای بگیریم.

نایب رئیس - پیش نهاد آقای شیروانی (بضمون سابق قرائت شد)

شیروانی - بنده خیلی مسرورم همان طور که مجلس شورای ملی نیم ساعت قبل يك قیافه جدی بخود گرفته بود حالا يك قیافه تقریباً ملایمی پیدا کرده است.

آقای وزیر فوايد عامه فرمودند ما مالیات وضع نمی کنیم فقط این جایك اصلاحی در آن قانون سابق می کنیم و دلیلشان هم این بود که چون این قانون در عمل تولید اشکال نموده است حالا میخواهیم يك راه آسان تری بدست بیاوریم البته قوانین همیشه يك نواقصی دارند و دولت باید همیشه در ضمن اجراء در نظر بگیرد و يك قانون بهتر و عملی تری که ممکن است جانشین آن قانون قرار بدهد پیش نهاد کنند و آن قوانین البته باید با چند چیز تطبیق شود یکی اصول علمی در درجه اول.

یکی مقتضیات وقتی دیگر عمل بنده تصور می کنم که این قانون تاحدی درش دقت نشده و نویسنده ها گمان نمی کنم کاملاً این نکته را در نظر گرفته باشند و این هم که بنده موافق با فوریت نبودم و عرض کردم یک قدری مذاکره در اطراف این لایحه بشود و بکمیسیون برود از همین نقطه نظر بود که ممکن است ما در عمل دچار مشکلات شویم پیش نهاد دولت این است که دولت از تنباکوی تهیه شده

این بود که توضیح داده شد.

دیگر این که این قانون تریاک مثل همان قانون تعدید تریاک است يك مالیاتی را بر توتون را وضع کرده اند و بالاخره نظام نامه او را هم مثل نظام نامه تعدید درست می کنند و باز خانه مردم بالا میروند و توی خانه مردم می ریزند و می گویند چه کنیم در این حالت تنباکوی قاچاق است.

فرب پنجاه شصت کاغذ خود بنده به وزارت مالیه نوشته ام و توضیح داده ام و بالاخره همین پارسال بود که هفت هشت نفر تلفات اصفهان داد برای اجرای تعدید تریاک این هم در عقب سر او خواهد شد.

یامانی این توضیح نیست.

شیروانی - خیر آقای روی همین پیشنهاد است و بالاخره این اقلامی را که در این ماده هست بنده تصوری کم باز اسباب زحمت خواهم شد.

چون دو قران يك کسی می دهد يك من تنباکو یا صد دینار می دهد تنباکو میخرد يك

چون دو قران يك کسی می دهد يك من تنباکو یا صد دینار می دهد تنباکو میخرد يك

اولا بنده میل داشتم یکی از آقایان وزراء توضیح بدهند. (تهیه شده)

چهارم مردم از این کلمه چه باید بفهمند تنباکوی تهیه شده تنباکوی است که در توتون له خشک شده اند و بیرون آورده اند؟

تنباکوی است که درسته کرده اند؟ بدو خوش راجد کرده اند؟

قرس کرده اند؟

کیسه کرده اند؟

تهیه شده يك کلمه اهم است و بهتر این بود که توضیح داده شود.

دیگر این که این قانون عیناً شباهت دارد بقانون تعدید تریاک منتهی يك چیز هم نقص دارد قانون تعدید تریاک علامت و باندورل دارد و آن چیزی که مالیات بهش تعلق می گیرد وقتی اندورل داشت می فوجیم این لوله تریاک مالیات خودش را داده ولی تنباکو با سیگار یا توتون را نمی شود باندورل کرد.

بنابر این از کجا باید فهمید که این توتون مالیات خودش را داده است یا نه حالا میخواهیم این را اجرا کنیم يك کسی رفته و برای يك من تنباکوی ۴ قران داده و این تنباکو هم بچریان افتاده است آقای مفتش مالیه میرود و آن تنباکو را می گیرد آن وقت آن شخص با چه دلیلی می تواند میتش را قانع کند که مالیات داده ام.

بنده تصوری کم که مجلس و هیئت دولت و آقای وزیر مالیه روزی نگذرد که مصداق با صدها عرض حال شکایت آمیز از عملیات مأمورین مالیه و مخصوصاً تعدید نشوند و خود آقایان هم البته تصدیق می فرمایند که طرز اجرای خود قانون هم يك طوری است که بهتر از این هم دولت نتوانسته است تهیه کند بنده تقصیر را گردن دولت نمی دانم و تصور می کنم نقص از قانون است.

این هم عیناً مثل همان قانون تعدید تریاک است يك مالیاتی را بر توتون را وضع کرده اند و بالاخره نظام نامه او را هم مثل نظام نامه تعدید درست می کنند و باز خانه مردم بالا میروند و توی خانه مردم می ریزند و می گویند چه کنیم در این حالت تنباکوی قاچاق است.

فرب پنجاه شصت کاغذ خود بنده به وزارت مالیه نوشته ام و توضیح داده ام و بالاخره همین پارسال بود که هفت هشت نفر تلفات اصفهان داد برای اجرای تعدید تریاک این هم در عقب سر او خواهد شد.

یامانی این توضیح نیست.

شیروانی - خیر آقای روی همین پیشنهاد است و بالاخره این اقلامی را که در این ماده هست بنده تصوری کم باز اسباب زحمت خواهم شد.

چون دو قران يك کسی می دهد يك من تنباکو یا صد دینار می دهد تنباکو میخرد يك

چون دو قران يك کسی می دهد يك من تنباکو یا صد دینار می دهد تنباکو میخرد يك

چون دو قران يك کسی می دهد يك من تنباکو یا صد دینار می دهد تنباکو میخرد يك

چون دو قران يك کسی می دهد يك من تنباکو یا صد دینار می دهد تنباکو میخرد يك

چون دو قران يك کسی می دهد يك من تنباکو یا صد دینار می دهد تنباکو میخرد يك

چون دو قران يك کسی می دهد يك من تنباکو یا صد دینار می دهد تنباکو میخرد يك

چون دو قران يك کسی می دهد يك من تنباکو یا صد دینار می دهد تنباکو میخرد يك

اشخاص

و به قید بنده این ترتیب عملی نیست زیرا یکی از دلایلی که دولت در این جا اقامه کرد راجع بعملی نبودن آن قانون سابق است

و بعلاوه این پیش نهاد و نظر مخالفین را هم تأمین نمیکند و بالاخره بنده موافق هستم باینکه همان ماده دوم مطرح شود چون اگر این ماده که ثانیاً دولت پیشنهاد کرده است رد شود ماده دوم بکلی از بین رفته است

زیرا وقتی این پیش نهاد را دولت قبول کرد آن ماده دوم لایحه بکلی از بین رفته است و آنوقت دولت باید مجدداً ماده ثانی دیگری پیش نهاد کند

نایب رئیس - پیش نهاد آقای تقی - زاده را دولت قبول کرد ولی ماده پیش - نهادی دولت را آقای تدین پیشنهاد کرده اند اگر رد شد در آن ماده رأی می گیریم
وزیر فوائد عامه - اینکه دولت پیشنهاد آقای تقی زاده را قبول کرد از نقطه نظر مساعدت بود که یک قدری انحراف از عقیده اولیه نمود

این نکته را هم باید عرض کنم که اگر فرضاً پیشنهاد آقای تقی زاده رد شد دولت همیشه حق دارد همان بتظریه اولیه خودش اعادة کند و این حق از دولت سلب نشده است و همیشه حق خواهد داشت که یک نظریه اتخاذ کند و پیشنهاد نماید

بنابر این بنده خودم تردید دارم و نمیدانم آیا بهتر این است که باین پیشنهاد آقای تدین بعد از آن پیشنهاد رأی گرفته شود یا قبلاً و تصور میکنم اگر بعد باشد بهتر است

و بعلاوه این را هم تذکر میدهم که اگر پیش نهاد رد شود دولت مجدداً آن پیش نهاد اولی خودش را پیشنهاد میکند

نایب رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای تدین که ماده دوم لایحه دولت است و قبلاً پیشنهاد کرده بودند آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد حالا رأی میگیریم پیشنهاد جدید دولت که ماده دوم میشود و دولت قبول کرده است

آقایان موافقین قیام فرمایند (عده کثیری برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد دو فقره پیشنهاد راجع به ختم جلسه رسیده است ..

نصرت الدوله - بنده با ختم جلسه مخالفم

نایب رئیس - قرائت میشود پیش نهاد آقای تهرانی (به شرح ذیل خوانده)
بنده پیشنهاد میکنم که پس از گذشتن

ماده دوم جلسه ختم شود

آقا شیخ محمد علی طهرانی -

پس میگیرم
نایب رئیس (خطاب با آقا سید یعقوب) شما هم پیش نهادتان را مسترد میدانید؟

آقا سید یعقوب - خیر ابداً

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد کرده اند که پس از گذشتن ماده دوم جلسه ختم شود

بفرمائید آقا

آقا سید یعقوب - این لایحه مواد

دیگری هم دارد و هفت ماده دارد و بنده میدانم که آقایان یکی یکی خواهند رفت و بنده خواهم ماند و بالاخره تمام نخواهد شد و يك پیشنهادهای نافعی هم خواهد رسید لهذا جلسه را حالا ختم کنیم فردا پیش از ظهر بابت بعد از ظهر علی ای حال فردا تمامش کنند

نایب رئیس - رأی میگیریم**نصرت الدوله** - بنده مخالفم**نایب رئیس** - بفرمائید**نصرت الدوله** - بنده این مخالفتی

که با ختم جلسه میکنم از نقطه نظر رحمت

برای آقایان نیست

توضیح بنده را گوش بدهید و بعد

اگر مخالف بود رأی ندهید

بنده عرض میکنم این لایحه تمام

اشکالش سر این ماده دوم بود که سه ساعت

چهار ساعت صرف وقت شد و گذشت و بقیه مواد چندان اشکالی ندارد و شب عید

است مردم میخواهند قسم بروند مجلس

باید تعطیل شود و ما میتوانیم این چند ماده

که باقی هست در بیست دقیقه رأی بدهیم

و تمام شود و هیچ مابه الاختلاف نیست و

بالاخره اگر این کار را اتمش نکنیم ممکن

است فردا دیگر مجلس نشود اصلاً تعطیل

شود

مگر برای شب عید آقایان خیال ندارند

تعطیل بکنند

و اگر این چند ماده را تمام کنند دیگر

کاری نداریم و از فردا مجلس را تعطیل

می کنیم

تا پنج شش روز بعد از عید و سال آینده

باز ما غراحت و تفریح کرده تشریف بیاورند

به مجلس

دیگر بسته است بنظر آقایان

نایب رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد

آقای آقا سید یعقوب آقایانیکه موافقت

قیام فرمایند

(عده فلیلی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد

ماده سوم مطرح است

(ماده سوم بشرح ذیل قرائت شد

و ضمناً بعضی از آقایان از مجلس خارج می

شدند)

ماده سوم - توتون و تنبا کوی ساخته

یا نساخته که باید بفارجه حمل شود از مالیات

دخانیات معاف است

نایب رئیس - چون عده برای رأی

کافی نیست جلسه ختم می شود

جلسه آتی به فردا سه ساعت قبل از ظهر

(مجلس سه ساعت و نیم از شب گذشته

ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی -

سهام السلطان

منشی - علی اقبال الممالك

منشی - معظم السلطان

جلسه ۱۴۵**صورت مشروح مجلس****صبح چهارشنبه بیست و****هشتم حوت ۱۳۰۴ مطابق****بیست و دوم شعبان المعظم****۱۳۴۳**

(مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از

ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل

گردید)

(صورت مجلس صبح سه شنبه بیست

و هفتم حوت را آقای آقامیرزا جوادخان

قرائت نمودند)

رئیس - آقای آقا شیخ جلال راجع

به صورت مجلس فرمایشی دارند؟

آقا شیخ جلال - خیر - قبل از دستور

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - اینجا در آخر صورت

مجلس نوشته شده است که در مجلس اعلان

شد دو ساعت بقرب مانده باید جلسه تشکیل

شود در صورتی که در خارج اعلان شد.

بعضی از نمایندگان - در مجلس اعلان

شده

رئیس - صورت مجلس مخالفی

دارد؟

(گفتند خیر)

رئیس - آقای آقا شیخ جلال

(اجازه)

آقا شیخ جلال - بنده دیروز در موقعی

که لایحه مالیات دخانیات از طرف دولت

تقدیم مجلس شد و قرائت شد نبودم که

متذکر شدم ماده بیست و نهم و سی ام نظامنامه

را تذکر دادم که در این دو ماده تصریح

میکند تمام لواجی که از طرف دولت به

مجلس پیشنهاد می شود وقتی مطرح خواهد

شد که قبلاً طبع و توزیع شده باشد و

و خاطر دارم که در سینه ماضیه در همین

موقع یا بعد از این موقع يك لایحه آمد

به مجلس و بواسطه اینکه طبع و توزیع نشده

بود تاخیر افتاد حالا اگر بنده اشتباه کرده ام

آقای رئیس بفرمایند تا رفع اشتباه بنده

بشود و همانطور که عرض کردم مطروح

شدن این لایحه قبل از طبع و توزیع شدن

بر خلاف مواد ۲۹ و ۳۰ نظامنامه است

رئیس - این مطلب راجع به موارد فوری

نیست

لایحه دخانیات از ماده سوم مطرح